

مفهوم بیماری از منظر آموزه‌های دین اسلام و جایگاه آن در برنامه درسی

نویسندگان: زهرا رضایی،^۱ کبری رضایی^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸

چکیده

در عصر حاضر با توجه به رشد روزافزون بیماری‌های روحی و جسمی، پرداختن به مفهوم بیماری از منظر آموزه‌های اسلامی و تبیین جایگاه آن در برنامه درسی مدارس، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، تبیین ضرورت آموزش مفهوم بیماری از منظر آموزه‌های اسلامی و بررسی آن در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران است. بررسی مفاهیم و مصادیق بیماری جسمی و پیامدهایی که بر روح و روان دارد، عموماً به عنوان یک امر گریزناپذیر چرخه زندگی عموم افراد را شامل می‌شود که در این زمینه می‌توان با ارائه تصویری صحیح از مفهوم بیماری مطابق با آموزه‌های اسلامی میزان سازگاری آن را افزایش داد و باورها و عقاید دینی را در سپری کردن دوران بیماری، اثربخش دانست. در پژوهش حاضر با روش توصیفی انجام یافته، مفهوم بیماری در سه مقوله تأثیر معنویت از دیدگاه پژوهشگران، ثمرات آن از منظر آیات و روایات و لزوم پرداختن به آن در برنامه درسی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به آموزه‌های اسلامی، مفاهیم مختلفی از بیماری استنباط شد که عبارتند از ابتلا و آزمایش، مصلحت الهی، کفاره و تطهیر گناهان، تنبیه و تأدیب، رشد و کمال، تلنگر، توجه به خداوند، اجر و پاداش و عنایت الهی. از طرف دیگر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان سند بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر مفاهیم شناسایی شده از مفهوم بیماری از منظر اسلام مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج آن نشان داد در بخش‌های مختلف سند، به این مفهوم پرداخته نشده است.

واژگان کلیدی: بیماری، برنامه درسی، سند تحول آموزش و پرورش، آموزه‌های دین اسلام

مقدمه

مقوله بیماری‌های واگیردار و مزمن، منحصر به دیروز یا امروز نیست؛ چه اینکه در گذشته نیز انواعی از بیماری‌های دردناک و کشنده بوده‌اند که با توسعه و پیشرفت علم، امروزه جزو بیماری‌های قابل درمان و کنترل شده شناخته می‌شوند. در حال حاضر نیز برای رسیدن به درمان بیماری‌های مزمن

۱. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و حکمت و تاریخ، جامعة المصطفی

العالمیة (مدرسه عالی خاوران)، مشهد، ایران، azhar_z68@yahoo.com

۲. کارشناس حقوق قضایی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و حکمت و تاریخ، جامعة المصطفی

العالمیة (مدرسه عالی خاوران)، مشهد، ایران، sarirrezai@gmail.com

تلاش می‌شود و مشخص نیست با توجه به روند صنعتی شدن جوامع و آلودگی‌های زیست‌محیطی، در آینده کدام بیماری زیرمجموعه بیماری‌های اپیدمیک، مزمن و لاعلاج قرار می‌گیرد. در ادامه به چند مورد از نتایج پژوهشگران اشاره می‌شود؛ البته لزوم این امر زمانی آشکار می‌شود که افراد به بینش درستی از فراز و فرودهای زندگی برسند تا در مرحله گرایش و رفتار، بهتر عمل کنند و دچار سردرگمی نشوند.

بنا به یافته‌های پژوهشگران، ابتلا به یک بیماری مزمن و طولانی‌تر شدن روند درمانی و عوارض داروها فرد را از نظر روحی و روانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و برخی نیز معتقدند نگاه فرد را نسبت به زندگی تغییر داده و ممکن است باعث ایجاد تجارب تنش‌زای عاطفی شود. (به نقل از: نیکوگفتار و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵)

در یک نگاه کلی، تلقی هر کس از بیماری به شناخت او از ماهیت انسان بستگی دارد. از یک سو می‌توان بر اساس رویکرد طبیعت‌گرایانه انسان را بر حسب علوم زیستی توصیف کرد که تلقی ناقصی است و نمی‌تواند حق ماهیت انسانی را به خوبی ادا کند؛ زیرا انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی بوده و موجودی متفکر، خودآگاه و قادر به انتخاب است و نمی‌توان او را به هنگام بیماری هم‌چون ماشینی در نظر گرفت که خراب شده است؛ هم‌چنان که اضطراب و افسردگی انسان صرفاً نشانه‌های ناخوشایندی نیست که پزشک آن‌ها را از میان بردارد، بلکه ممکن است حاکی از نیاز فرد باشد تا رویکرد خود را به زندگی بررسی و تعدیل کند. (ولف و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۴)

از طرفی، چنان‌چه بیمار چراهای زندگی خود را بداند، می‌تواند با هر «چه و چگونه»‌ای که در ذهنش ایجاد می‌شود، کنار بیاید؛ چون چراهای زندگی فرد قسمتی از هدف وجودی‌اش است که از زندگی خود کسب می‌کند و این بخش، تشکیل دهنده بعد معنوی زندگی فرد است؛ لذا بیمارانی که سلامت معنوی آن‌ها تقویت می‌شود، به گونه‌ای اثربخش می‌توانند با بیماری خود سازگار شوند و حتی مراحل آخر بیماری خود را به خوبی بگذرانند. (به نقل از: نیکوگفتار و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵)

بر این اساس، در مقاله حاضر با روش توصیفی به مفهوم بیماری از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود و با توجه به سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران که هدف از تعلیم و تربیت را رسیدن به حیات طیبه و قرب الی الله می‌داند، لازم می‌گردد این مسئله به مثابه اهداف آموزشی تبیین شود تا افراد را در سیر زندگی به مسیر درست هدایت نماید.

بیان مسئله

روند روزافزون روزمرگی، تکاپو و رقابت در جهان معاصر را برای رسیدن حداکثری به توسعه و پردازش حداقلی به معنویت و امور الهی و معنوی سوق داده است که در نهایت به غافل شدن از یاد خدا، باورها و عقاید دینی و مذهبی منجر می‌شود و روند مواجهه با مشکلات و سختی‌های زندگی از جمله بیماری‌های مزمن و استرس و تنش‌های روحی و روانی حاصل از آن را سخت می‌کند.

در این میان، اسلام راهی برای رسیدن به یک جامعه مطلوب و آرمانی نشان می‌دهد تا میزان افسردگی و بی‌روحی بیماران و اطرافیان آن جامعه را کاهش دهد که این راه، پرداختن به مفهوم بیماری از منظر آموزه‌های دینی در برنامه‌های درسی و تثبیت باورهای عمیق دینی در دوران آموزش است. به بیان دیگر، ایجاد بینشی صحیح که سبب گرایش فرد به مبانی و اصول درست و در نتیجه منجر به رفتاری برابر با موازین اخلاقی و ارزش‌های دینی شود که در راه رسیدن به قرب الهی او را یاری کند و به مقصود برساند.

در همین ارتباط، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد شناخت دنیا می‌فرماید: کسی که دنیا را بشناسد، از رنج‌هایی که به او می‌رسد، اندوهگین نمی‌شود. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۳۵، ح ۷۵۱۶)

با تبیین انجام شده، دو پرسش اساسی این مقاله به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. آیا در آموزه‌های اسلامی موضوع بیماری تبیین شده است؟
۲. آیا در سند تحول بنیادین آموزش مقوله بیماری جسمی و نحوه برخورد با آن مطابق با اهداف تربیتی اسلامی، تبیین شده است؟

بر این اساس و ناظر به محتوای مقاله، فرضیه پژوهش نیز به صورت زیر طرح می‌گردد:

- از آن‌جا که اسلام دین کامل و جامعی است، برای همه عرصه‌های زندگی سخن تازه و برای هر برهه از زندگی راهکاری دارد تا فرد با بهره‌گیری از آن راه سعادت را بیابد.

پیشینه پژوهش

در ادامه به برخی پژوهش‌ها که نشان دهنده اثرات مطلوب باورها و عقاید دینی و مذهبی بر روند درمان و گذراندن مراحل بیماری است، اشاره می‌شود:

- (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که آموزش فرهنگ دینداری بر التیام حالاتی نظیر دل‌شوره، غمگینی، ناامیدی، بی‌خوابی، بی‌اشتهایی و افسردگی تأثیر دارد.

- (علیخانی، ۱۳۸۵) در تحقیق خود نشان داده است افراد دارای هویت دینی از تعاملات و کنش اجتماعی موفقتری برخوردارند و سطح اضطراب و افسردگی آنان پایین است.
 - (حمید، ۱۳۸۸) به دنبال بررسی نقش آموزش‌های دینی در امر سلامت فردی و اجتماعی و تأثیر پیشگیرانه آن به این نتیجه دست یافت که رابطه مثبت و معنی‌داری میان نگرش مذهبی با سلامت روانی و عملکرد سیستم ایمنی بدن وجود دارد.
 - (بحرینیان و همکاران، ۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافتند که باید به ظرفیت‌های معنوی بیماران در جهت درمان آنان توجه ویژه‌ای نمود؛ زیرا آگاهی از این امر نه تنها تأثیر مطلوبی بر رابطه پزشک و بیمار دارد؛ بلکه دریچه جدیدی به فرآیند درمان بیماران بازگشایی خواهد نمود که با ارتقای معنویت و ایمانشان در برابر برخی آسیب‌های پزشکی که سبب تزلزل در ایمان، امید و آینده‌ان‌ها می‌شود، می‌توان پیشگیری کرد.
 - (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۹) در پژوهش خود بیان می‌دارند التزامات دینی و معنوی، فرد را در مقابل استرس ناشی از حوادث غیر قابل کنترل زندگی نظیر مرگ و بیماری‌های شدید که می‌تواند پریشانی، اضطراب و افسردگی در پی داشته باشد، محافظت می‌کند.
 - (زکوی و مرزبند، ۱۳۹۳) به این نتیجه دست یافتند که افزایش سطح سلامت معنوی با تکیه بر آموزه‌های سعادت‌بخش اسلام و با تأکید بر مراقبت معنوی می‌تواند بر ارتقای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه تأثیر گذاشته و سلامت اخروی را نیز رقم زند.
 - (مرادی‌جو و همکاران، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند هر چه میزان سلامت معنوی در افراد بیمار بالاتر و قوی‌تر باشد، میزان آسیب‌های روانی در آن‌ها کمتر خواهد بود.
- بنابراین، از منظر آموزه‌های اسلامی سلامتی جسم و روح به صورت توأمان اهمیت دارد؛ اما بیشتر بر سلامتی روح تأکید شده است، چرا که جسم فانی بوده و دنیا محل گذر است و آنچه دارای اصالت و بقا است، بعد روحانی انسان است که بر جسم تأثیرگذار است؛ لذا زمانی که فرد از نظر روحی غنی و دارای پشتوانه دینی و مذهبی باشد، در مواجهه با سختی‌ها و کمبودها کمتر آسیب می‌بیند.

مبانی نظری پژوهش

۱. بیماری

کلیدواژه «بیماری» از منظر لغوی به معنای ناتندرستی، ناخوشی و مرض است. (معین، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۳۳)

از منظر اصطلاحی و مطابق با تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱، سلامتی عبارت است از یک حالت آسودگی کامل جسمی، روانی، اجتماعی و تنها به نبود بیماری یا ناتوانی اطلاق نمی‌شود (رحیمی، ۱۳۸۹: ۵۳) که بنا به این تعریف، بیماری می‌تواند نقطه مقابل سلامتی باشد. بیان این نکته لازم است که در این پژوهش، پیامدهای روحی و روانی بیماری‌های مزمنی که صعب‌العلاج یا لاعلاج باشند، مورد نظر است.

۲. برنامه درسی

با توجه به تعاریفی که در این زمینه توسط صاحب‌نظران شده است، برنامه درسی را سه قسم می‌دانند: آشکار، پنهان و پوچ. می‌توان گفت برنامه درسی شامل مجموعه اهدافی است که در برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت نظام آموزشی قصد شده است تا فراگیر بیاموزد.

۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

این سند دارای مجموعه اهداف، رویکردها و راهبردهایی در زمینه تعلیم و تربیت است که محتوای برنامه درسی در سطح کلان و خرد متناسب با آن طراحی و اجرا می‌شود که عدم پرداختن به برخی از این مقوله‌ها می‌تواند سبب منحرف شدن از هدف غایی سند که قرب الی الله است، شود.

۴. آموزه‌های اسلام

آموزه‌های اسلام به هر آن محتوایی اشاره دارد که از کلام وحی و تفسیر صاحبان رأی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام قابل حصول است.

بر این اساس، به پیامدهای بیماری می‌توان از منظر دیگری نیز نگریست؛ به گونه‌ای که پیامدها را به اثرات تبدیل نمود که می‌تواند سبب تحولی عمیق در زندگی فرد شود. با بررسی آیات قرآن کریم و روایات شریف به دو رویکرد و چشم انداز دین اسلام به مقوله بیماری اشاره می‌شود که حاکی از زاویه دید دینی به این مقوله است:

- نقش دین و معنویت در درک بیماری

مبتلا شدن به یک بیماری مزمن علاوه بر درگیر کردن جسم سبب تحولاتی در روح و روان، روابط فردی و اجتماعی و رابطه فرد با خداوند نیز می‌شود؛ لذا ضرورت تبیین مفهوم بیماری با رویکرد دینی، مذهبی و معنوی لازم می‌گردد، چرا که با غایت زندگی انسان در ارتباط است.

- اهمیت دین و معنویت در سازگاری با بیماری یا بهبود آن

دین و معنویت از مهم‌ترین عوامل فرهنگی هستند که به ارزش‌ها، رفتارها و تجربیات انسانی، ساختار و معنا می‌بخشد؛ پس نیاز به داشتن تجربه آگاهانه از خدا و درک آن است که سبب شناسایی ارتباط انسان با خدا شده و چگونگی تأثیر تجربه این ارتباط را با افراد روشن می‌کند؛ از این رو می‌توان گفت حس اتصال درونی به خود و دیگران، خدا یا نیروی ماورا و نامرئی است که از طریق این اتصالات می‌توان تنش‌های زندگی را پشت سر گذاشت و به آرامش رسید. (به نقل از: نیکوگفتار و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴)

رویکردهای دیگر به معنویت نیز به شرح زیر است:

- نوعی از فرایند رشد است که به درک معنا و هدف نهایی زندگی منجر می‌شود و فرد می‌تواند آن را رشد دهد و با بیماری مقابله کند.

- در هنگامه نیاز و ابتلا تجلی بیشتری می‌یابد و دو بعد دارد: بعد افقی ارتباط انسان با دیگران، حس رضایت از زندگی و برخورداری از هدف یا سلامت وجودی و بعد عمودی ارتباط با خدا یا یک وجود برتر که سلامت مذهبی را نشان می‌دهد. (به نقل از نیکوگفتار و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵)

بسیاری نیز بر این باورند که بیماران از طریق باورهای معنوی خود یا جنبه معنوی زندگیشان، سازگاری با درد و رنج ناشی از بیماری را می‌آموزند (خیاطان مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۷) که حاکی از رابطه دین با احساس‌ها و عواطف مثبت در زندگی است. (کلاتری و حسینی‌زاده آرانی، ۱۳۹۴: ۲۹۵؛ رجایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۹)

در نتیجه سلامت معنوی یکی از ابعاد سلامت محسوب شده و سبب وحدت میان دیگر ابعاد سلامتی می‌شود؛ بدین جهت بسیاری از پزشکان ایمان و معنویت را منبعی مهم در سلامت جسمی افراد می‌شناسند، به گونه‌ای که اغلب ضروری می‌دانند در فرایند درمان به مسائل معنوی بیماران توجه کنند؛ زیرا مذهب و معنویت مجموعه‌ای از کلمات و چهارچوب‌ها را معرفی می‌کند که از راه آن‌ها، انسان می‌تواند معنا و مفهوم زندگی خود را درک کند. (مرادی‌جو و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴)

علل بیماری از منظر آموزه‌های اسلامی

۱. ابتلا و آزمایش

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

- «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

الصَّابِرِينَ»؛ (بقره، ۱۵۵) و قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در

مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان.

- «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»؛ (انسان، ۲)
ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم، [بدین جهت] او را شنوا و بینا قرار دادیم.

ابتلا در معنای امتحان و آزمایش یک سنت لایتنغیر، ثابت و استثناء ناپذیر الهی است که موقعیتی برای فرد ایجاد می‌شود تا صفات باطنی و درونی وی آشکار شود. امتحان الهی شامل همه انسان‌ها حتی پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام نیز می‌شود؛ البته برای ایشان به منزله ترفیع درجه است. شاهد مثال قرآنی، زندگی ایوب نبی علیه‌السلام است که به انواع شدائد و بلاها از جمله بیماری گرفتار شد؛ اما با صبر، دعا و توکل در این آزمون الهی موفق شد.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همین زمینه می‌فرماید:

- «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ فَأَبْلُوهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ وَإِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَبْدَانِهِمْ فَأَبْلُوهُمْ بِالْفَقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فَيُصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۰) خدای متعال فرمود: بعضی از بندگان من افرادی هستند که اصلاح امر دین آن‌ها جز به غنا و گسترده‌گی زندگی و صحت بدن نمی‌شود، از این رو امر دین آن‌ها را به وسیله آن اصلاح می‌کنم و بعضی از بندگانم هستند که امر دین آن‌ها جز با نیاز و مسکنت و بیماری اصلاح نمی‌شود، لذا امر دین آن‌ها را با آن اصلاح می‌کنم و آنان را به وسیله آن می‌آزمایم.

- «إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدَبٌ وَلِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَلِلْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ وَلِلْأَوْلِيَاءِ كَرَامَةٌ»؛ (شعیری، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۳) همانا بلا برای ظالم ادب و برای مؤمن آزمودن و برای پیغمبران درجه و برای اولیا کرامت است.

بنابراین، بلا و امتحان در روایات جنبه‌های مختلفی دارد که با توجه به این جنبه‌ها مسیر زندگی بشر عوض خواهد شد و از درد و رنج، شکوه نخواهد کرد و در تمام حالات خداوند را شاکر است. بلا برای دوستان خدا لطفی است که سیمای قهر دارد، همان‌طور که نعمت‌ها و عافیت‌ها برای گمراهان و کسانی که مورد بی‌مهری پروردگار قرار می‌گیرند، ممکن است عذاب باشد، ولی به ظاهر نعمت باشد؛ زیرا عکس العمل و نسبت دادن‌های ما به اتفاقات پیرامونمان از آن‌ها نعمت یا بلا می‌سازد، مثلاً از فقر و ثروت هم می‌توان به سعادت رسید و هم به شقاوت که به نوع عملکرد ما در قبال آن‌ها بستگی دارد. بیماری نیز این‌گونه است که آن را نعمت بدانیم و یا بدبختی؛ پس اگر افراد

به شناخت صحیحی از تحولات جهان آفرینش برسند، می‌توانند در مرحله گرایش و رفتار، نعمت‌ها را فرصتی برای رسیدن به نعمت‌ها بدانند. اکسیر حیات دو چیز می‌باشد؛ عشق و بلا. این دو از مواد افسرده و بی‌فروغ گوهرهایی تابناک و درخشان به وجود می‌آورند. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۸۳-۱۸۰)

با استناد به دلایل زیر می‌توان بیماری را به عنوان یک آزمایش و امتحان الهی دانست:

ا. گاهی آزمایش برای اتمام حجت است؛ یعنی برای این است که به خود امتحان شونده امری را ثابت کند. یک معلم که در طول سال با دانش آموز کار می‌کند و خودش می‌داند که به کدام دانش آموز باید نمره قبولی بدهد و به کدام نمره رد بدهد و مسلم است که اگر امتحان نکرده بخواهد نمره‌ها را بدهد، غیر از آن کسی که بیست می‌گیرد همه اعتراض می‌کنند. او آن‌ها را امتحان می‌کند تا بر همه روشن شود که نمره‌هایی که می‌خواهد بدهد همه درست است. امتحان به این معنی در مورد خداوند متعال معنی دارد؛ زیرا احتمال دارد برای اتمام حجت بنده‌ای را مورد امتحان و بلا قرار دهد. خداوند متعال می‌فرماید:

«فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ»؛ (فجر، ۱۶-۱۵) اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد، می‌گوید پروردگارم مرا گرامی داشته است و اما هنگامی که برای امتحان روزیش را بر او تنگ می‌گیرد، می‌گوید پروردگارم مرا خوار کرده است.

ب. گاهی امتحان برای تمرین امتحان شونده است؛ یعنی خداوند متعال که البته در مورد غیر خدا نیز صدق می‌کند، انسان را مورد آزمایش قرار می‌دهد برای این‌که در طی آن آزمایش استعدادهای درونی او به فعلیت برسد؛ مثل آدمی که خودش یا دیگری را به آب می‌اندازد برای این که شنا یاد بگیرد. این نوع امتحان، نوعی عمل و رفتار برای کمال یافتن است. بر اثر تلاش کردن در آب است که انسان شناگر می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۷: ۱۸۳)

خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم می‌فرماید:

- «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ (تغابن، ۴) آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید با خبر است و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست، آگاه است.
- «وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»؛ (انعام، ۵۹) کلیدهای غیب تنها نزد اوست و جز او کسی آن‌ها را نمی‌داند. او آنچه را در

خشکی و دریاست می‌داند. هیچ برگی نمی‌افتد، مگر این‌که از آن آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز این‌که در کتابی آشکار ثبت است.

- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»؛ (آل عمران، ۵) هیچ چیز در آسمان و زمین بر خدا مخفی نمی‌ماند.

از آیات بیان شده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آزمایش خداوند برخلاف آزمون‌های بشری به منظور یادگیری و کشف مجهولات نیست؛ زیرا او بر همه امور بارز و نهان آگاهی دارد و مهم‌ترین فلسفه و حکمت ابتلا و آزمایش از دیدگاه قرآن کریم، شناسایی چهره واقعی افراد به معنای ظهور صلاحیت‌ها و استعداد‌های آنان و طهارت و خبثات نفس انسان است؛ چرا که برجستگی‌ها و کرامت‌های روحی انسان در شرایط ابتلا خود را نشان می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۷۸: ۳۵۵) و سبب گرایش عده‌ای به اندیشه‌های نهیلیستی^۱ و بدبینانه نسبت به فلسفه آفرینش شده است. (کربلایی پازوکی، ۱۳۹۱: ۴۷)

مبتلا شدن به بلا محکی برای آشکار شدن حقیقت انسان است. برای نمونه، انسان با ایمان و با خرد در هنگام مصیبت از دین خود خارج نمی‌شود و سخنی را که نشان دهنده کفر و سفاهت و نادانی باشد به زبان نمی‌آورد؛ بلکه صبر می‌کند و گرفتاری، عقل و ایمان او را از بین نمی‌برد، اما انسانی که خرد و ایمانش ضعیف باشد، شیطان بر او مسلط می‌شود و انسان بی‌ایمان، دشنام و پستی در پیش می‌گیرد و در چاه رذالت و سفاهت سقوط می‌کند. بهترین سخن در این باره، سخن امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا است که فرمود: مردم، بندگان دنیایند و دین تنها لقلقه زبان آنان است. آنان تا زمانی پیرامون دین می‌گردند که زندگانی‌شان بچرخد و هر گاه به بلا و سختی گرفتار شوند، تعداد دینداران اندک خواهد شد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۳۹)

۲. مصلحت الهی

قرآن کریم به صراحت این مسئله را تبیین کرده است:

«... وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره- ۲۱۶) چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن‌که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن‌که شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این مطلب را چنین بیان می‌کند:

«رُبَّمَا سَأَلْتُ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَأُوتِيتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا أَوْ صَرَفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَّكَ فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتُهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوْتِيتُهُ فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيمَا يَبْقَى

لک جماله وینفی عنک وباله؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ج ۷۵: ۶۸) گاهی چیزی را می‌خواهی اما به تو داده نمی‌شود و دیر یا زود بهتر از آن به تو داده می‌شود یا به خاطر آن چه خیر و مصلحت تو در آن است، از برآورده شدن خواسته‌ات دریغ می‌شود، زیرا بسا خواسته‌ای که اگر برآورده شود، به نابودی و تباهی دین تو می‌انجامد. پس چیزی بخواه که زیبایی و نیکیش برایت می‌ماند و پیامد بدی ندارد.

گاهی اتفاقاتی پیرامونمان رخ می‌دهد که متحیر می‌مانیم و از درک آن عاجزیم و بسا زمانی تصمیم به انجام کاری می‌گیریم، ولی موانعی خواسته یا ناخواسته بر سر راه قرار می‌گیرند که بعدها متوجه می‌شویم مصلحت در آن بوده است. نمونه‌ای تاریخی از مصلحت الهی، بیماری امام سجاد علیه السلام در واقعه کربلا است که دشمن با دیدن وضع بیماری و ضعف جسمی امام از ادامه حیاتشان قطع امید کردند و از به شهادت رساندن ایشان منصرف شدند. (پیشوایی، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۳۵)

۳. کفاره و تطهیر گناهان

ممکن است انسان در طول زندگی دچار خطاها و لغزش‌هایی شود که عواقب تلخ و دردناکی به دنبال داشته باشد و توشه آخرتش را سنگین و محاسبه اعمال را در روز قیامت سخت کند. بیماری می‌تواند هم چون سکوی پرشی باشد که از بار گناهان بکاهد و مانند سوهانی روح را صیقل و جلا دهد. در ادامه به برخی روایات ناظر به این علت ابتلا اشاره می‌شود:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بیمار مؤمن، چهار خصوصیت و ویژگی بیان فرموده‌اند:
قلم از او برداشته می‌شود و گناهی بر او نوشته نمی‌شود. خداوند به فرشتگان مراقب او فرمان می‌دهد تا تمام کارهای خوبی را که در زمان سلامتی توفیق انجام آن را داشته در نامه اعمال او ثبت کنند. اثر بیماری به هر عضوی از اعضای بدن او رسیده، گناهی را که توسط آن عضو انجام گرفته است از بین می‌برد و اگر در این حالت بمیرد، آمرزیده از دنیا رفته است و اگر زنده بماند، مورد آمرزش قرار خواهد گرفت. (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۴۵)

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:
«وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَيَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَيَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِمِ إِخْرَاجاً لِلتَّكْبِيرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَإِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي نَفْسِهِمْ وَلِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فَتْحاً إِلَى فَضْلِهِ وَأَسْبَاباً ذُلّاً لِعَفْوِهِ»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) خداوند بندگان خود را با انواع سختی‌ها می‌آزماید و با تلاش زیاد به عبادت می‌خواند و به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد تا کبر و خودپسندی را از دل‌هایشان خارج کند و به جای آن

فروتنی آورد و درهای فضل و رحمت خود را به رویشان بگشاید و وسایل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان قرار دهد.

- امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
وقتی آیه «... مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ...»^۱ نازل شد، هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود. بعضی از اصحاب پیامبر گفتند: آیه‌ای از این سخت‌تر نیست؛ حضرت به آنان فرمود: آیا در اموال و جان‌ها و خانواده‌تان دچار مصیبت نمی‌شوید؟ گفتند: بله. حضرت فرمود: این از آن چیزهایی است که خداوند به وسیله آن برای شما حسنه می‌نویسد و به وسیله آن بدی‌ها را محو می‌کند. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲)
رنجی که انسان در يك شب دردمندی می‌کشد، بیش از عبادت يك سال، روح او را صفا می‌بخشد. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲۰)

- امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:
بیماری برای مؤمن مایه تطهیر و رحمت است و برای کافر عذاب و لعنت است. بیماری همواره گریبانگیر مؤمن است تا آن‌که گناهی در وجود او باقی نماند. (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۹۹)
- امام سجاد علیه السلام خطاب به بیماری که شفا یافته بود، فرمودند:
«يَهْنُوكَ الطُّهُورُ مِنَ الذُّنُوبِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُمْ وَأَقَالِكَ فَاشْكُرْهُمْ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۳۸) پاک شدن از گناهان بر تو مبارک باد. خداوند تو را یاد کرده است، پس او را یاد کن و از تو درگذشته است، پس او را شکرگزاری کن.

۴. رشد و کمال

خداوند متعال درباره زندگی بشر این‌گونه آگاهی می‌دهد:
«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ (بلد، ۴) همانا ما انسان را در رنج آفریدیم.

مهم‌ترین جنبه بلاها، خاصیت رشد‌دهندگی آن‌هاست. در حالت آسایش و راحتی، قابلیت‌های نهفته انسان پرورش نمی‌یابد و زشتی‌ها مقدمه وجود زیبایی‌ها و آفریننده و پدیدآورنده آن‌ها هستند. (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۷)

این خصوصیت مربوط به موجودات زنده و بالاخص انسان است که سختی‌ها و گرفتاری‌ها، مقدمه کمال‌ها و پیشرفت‌هاست. ضربه‌ها، جمادات را نابود می‌سازد و از قدرت آنان می‌کاهد؛ ولی موجودات زنده را تحریک می‌کند و نیرومند می‌سازد؛ بسا زیادت‌ها که اندر نقص‌هاست. مصیبت‌ها و شدائد برای تکامل بشر ضرورت دارد. اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد، بشر تباه می‌گردد. (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۸: ۱۷۶)

به تعبیر دیگر، سختی‌ها و مشکلات برای بروز استعدادهای نهفته انسان است تا از حد بالقوه بودن به فعلیت برسند و این آزمایش‌های الهی برای بندگان، دارای خصلت تکمیل‌کنندگی است. (همان: ۱۳۵)

به طور کلی، قرآن کریم به این حقیقت تصریح دارد:

«وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ (آل عمران، ۱۵۴) و این‌ها برای این است که خداوند آن‌چه در سینه‌های پنهان دارید بیازماید، و آن‌چه را در دل‌های شما است، خالص گرداند و خداوند از آن‌چه در درون سینه‌هاست، با خبر است.

۵. تنبیه و تأدیب

تنبیه یکی از روش‌های سلبی تربیتی است و زمانی مؤثر است که امید به اصلاح شخص باشد. گاهی امتحان خداوند که با مشکلات، سختی‌ها و مصائبی همراه می‌شود، به منظور تأدیب انسان است؛ اما برای عده‌ای دیگر جنبه کیفر اعمالی است که مرتکب شده‌اند و به منظور جزا است. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرْعُونَ»؛ (اعراف، ۹۴) و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن را به ناراحتی‌ها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم، شاید بازگردند و تضرع کنند.

پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرمایند:

«المرضُ سوطُ الله في الأرض يُودبُ به عباده»؛ (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ج ۱: ۷۸۲)

بیماری تازیانه خداوند در زمین است که به وسیله آن بندگان را تأدیب می‌کند.

به همین سبب در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است که هر گاه بیمار می‌شدند، می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدْبًا وَلَا تَجْعَلْهُ غَضَبًا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۱۸) خدایا این بیماری را سبب تأدیب قرار ده و آن را موجب خشم و غضب قرار نده.

گاهی فرد، چنان غرق دنیا و مادیات می‌شود که گویا در این دنیا ماندگار است؛ در حالی که زندگی این دنیا همانند طی مراحل کودکی تا رسیدن به پیری به سوی مرگ پیش می‌رود و خبر از فانی بودن همه موجودات می‌دهد و البته متوجه شدن این هشدارها بستگی به بینش افراد دارد.

۶. تلنگر

گاهی سختی‌ها و مشکلات برای بیدار کردن انسان از خواب غفلت است؛ مانند پدری که برای اصلاح رفتار اسرافگری فرزندش، برای مدتی به عنوان تنبیه او را در مضیقه مالی می‌گذارد تا متوجه خطایش شود و رفتارش را تغییر دهد. خداوندی که رب و پرورش دهنده حقیقی انسان‌هاست، گاهی انسان را دچار امراض و بلاها می‌کند تا شخص متوجه موقعیت خود در این دنیا شود که این دنیا موقری ابدی نیست؛ بلکه مکانی برای رفتن به سرای دیگری است.

حضرت امام باقر علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید:

«الْجَسَدُ إِذَا لَمْ يَمْرُضْ أَشْرٌ وَلَا خَيْرٌ فِي جَسَدٍ يَأْشُرُ»؛ (طبرسی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۰)

جسم اگر بیمار نشود، سرمست می‌شود و در بدنی که سرمست شود، خیری نیست.

۷. توجه به خداوند

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَغْرَضْنَاهُمْ

وَكَانَ الْإِنْسَانُ كُفُورًا»؛ (اسراء، ۶۷) و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او

تمام کسانی را که می‌خوانید، فراموش می‌کنید.

آیه شریفه به این مطلب اشاره دارد که انسان فطرتاً خداطلب است و به همین دلیل در مواجهه با سختی‌ها، ناخودآگاه به آنچه که به آن اعتقاد دارد پناه می‌برد. به عنوان مثال؛ فرد توحیدگرا به خدا و فرد بت‌پرست به تکه چوبی پناهنده می‌شود.

بنابراین، گاهی ابتلائات برای توجه دادن انسان به پروردگار و ایجاد حالت نیایش است؛ پس تقدیر حوادث گوناگون از سوی خداوند در زندگی انسان، راهی برای بازگشت به سوی حق است.

۸. اجر و پاداش

پاداش‌ها اقسامی دارند؛ در یک قسم، نوع پاداش در مقابل انجام دادن یا ندادن عملی از قبل تعیین شده است. در قسمی دیگر اشاره به پاداشی است که بعد سلبی دارد و در قسم دیگر، نوع پاداش

مشخص نیست؛ ولی فرد می‌داند نوع و مقدار پاداش بستگی به میزان موفقیت او در آزمون است. اجر و پاداش گذراندن بیماری نیز از این قسم است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

- «عَجِبْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَجَزَعِهِ مِنَ الشَّقِيمِ وَلَوْ يَعْلَمُ مَا لَهُ فِي الشَّقِيمِ مِنَ الثَّوَابِ لَأَحَبَّ أَنْ لَا يَزَالَ سَقِيمًا حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۰۱) در شگفتم از مؤمن و بی‌تابی او از بیماری، اگر می‌دانست چه برای او در بیماری وجود دارد، هر آینه دوست داشت همیشه بیمار باشد تا زمانی که پروردگارش را ملاقات کند.
- ای علی! ناله مؤمن بیمار چون تسبیح است و فریادش تهلیل و خوابش در بستر بیماری عبادت است و پهلوی به پهلوی شدنش جهاد است و اگر شفا یابد، بی‌گناه به میان مردم آید. (همان، ج ۶: ۲۹۲)

امام محمد باقر ﷺ نیز در این زمینه می‌فرمایند:

- «سَهْرُ لَيْلَةٍ مِنْ مَرَضٍ أَوْ وَجَعٍ أَفْضَلُ وَأَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۱۴) پاداش شبی از بیماری یا درد نخفتن، برتر و بزرگتر از یک سال عبادت است.

۹. عنایت الهی

از جمله عنایات ویژه خداوند متعال به انسان بیمار، استجابت دعا است. پیامبر اکرم ﷺ در همین زمینه تعبیری دارند که به سه نمونه اشاره می‌شود:

- «وَإِذَا مَرِضَ الْمُسْلِمُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كَأَحْسَنِ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ وَتَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَتَسَاقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ وَمَنْ عَادَ مَرِيضًا»؛ (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۱۱) اگر مسلمانی بیمار شود، خداوند بهترین اعمالی را که در زمان سلامتی انجام داده است، در نامه اعمال او ثبت می‌کند و همان‌گونه که برگ از درخت فرو می‌ریزد، گناهان او نیز فرو می‌ریزد.
- «مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ وَلَا نَصَبٍ وَلَا سَقَمٍ وَلَا أَذًى وَلَا حُزْنَ وَلَا هَمٍّ حَتَّى يَهْمَهُ إِلَّا كَفَرَ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۸۸) هیچ درد، رنج، مریضی، اندوه و حتی غمی به مؤمن نمی‌رسد مگر این‌که به وسیله آن گناهانش پوشیده می‌شود.

هم‌چنین به سلمان فارسی می‌فرمایند:

- «إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَنْتَ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ بِذِكْرِهِ وَدُعَاؤِكَ مُسْتَجَابٌ وَلَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ مَتَعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ»؛

(طبرسی، ۱۳۶۵: ۳۶۱) در زمان بیماری‌ات سه خصلت همراه تو است: مورد توجه خاص خداوند قرار می‌گیری و دعایت در آن حال مستجاب است و بیماری، گناهی برای تو باقی نمی‌گذارد و همه گناهان تو می‌ریزد. خداوند تا پایان عمر تو را از نعمت عافیت برخوردار فرماید.

با مطالعه روایت آخر، ممکن است پرسشی به ذهن متبادر شود که چگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بیان ویژگی‌های مریض، برای سلمان دعا می‌کند که تا پایان عمر سالم باشد و مریض نشود؟ به نظر می‌رسد منظور حضرت از دعا این بوده که هیچ‌گاه سلمان از توجه ویژه خدا و اجابت دعا در حال سلامت بی‌بهره نباشد و هیچ‌گاه در حال سلامت مرتکب گناه نشود تا لازم باشد برای نیل به توجه خداوند، اجابت دعا و آمرزش گناهان به مریضی ابتلا یابد. (فجری، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

حضرت امام باقر علیه السلام درباره دعای بیمار می‌فرماید:

به عیادت بیمارانتان بروید و از آنان بخواهید برایتان دعا کنند؛ زیرا دعای آنان با دعای فرشتگان برابر است. هر کس شبی مریض شود و آن را به خوشنودی بپذیرد و شکرش را بجا آورد، این شکر معادل با شصت سال عبادت است. (طبرسی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۹۵)

ثمرات نگاه صحیح به بیماری

عکس‌العمل افراد در عالم واقع و به طور عینی در برابر مشکلات و رنج‌های طبیعی به نحوی است که عده‌ای شاکر هستند و عده‌ای ناسپاسی می‌کنند که این نوع برخوردها و رفتارها می‌تواند ناشی از آگاهی و دانش آن‌ها باشد؛ لذا هر چه میزان دانش و فهم بیشتر باشد، به مراتب و با سهولت بیشتری موفق به گذراندن مشکلات می‌شوند.

بر اساس آیات و روایات به برخی رفتارهای مطلوب در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات می‌پردازند که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. تسلیم و رضا به خواست الهی

معنا و مفهوم کلیدواژه «رضا» یعنی فرد باور داشته باشد که آن‌چه خداوند برای او مقرر کرده، حکیمانه و بهتر است و از آن‌چه در زندگی برای او پیش آمده، رضایت داشته باشد و آن را مکروه نشمارد؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲: ۲۰۲) و کلیدواژه «تسلیم» نیز یعنی انقیاد باطنی و اعتقاد و گرویدن قلبی در مقابل حق؛ بدین معنا که در مقابل اوامر خداوند و اولیای الهی و گرفتاری‌ها و مشکلاتی که خداوند برای او می‌آورد، تسلیم باشد و در مقابل آن‌ها چون و چرا نکند. (امام خمینی،

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تعریف اسلام می‌فرمایند:

«الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۵) اسلام، تسلیم و گردن نهادن است. بر این اساس، در امتحان باید نقطه مجهولی باشد تا میزان قابلیت و ظرفیت موجود مورد آزمایش روشن شود. برای مثال اگر حضرت ابراهیم علیه السلام از ابتدا می‌دانستند قرار است آتش گلستان شود و به جای حضرت اسماعیل علیه السلام فوجی قربانی شود، تسلیم شدن بی‌معنا بود؛ لذا آنچه در آزمون‌های الهی اهمیت دارد، بی‌خبری از پایان امر و بر سر دو راهی ماندن و انتخاب راه درست است. در غیر این صورت، تسلیم و رضا آزمون دشواری نبود و همین اطاعت محض و تسلیم در برابر اوامر خداوند ابراهیم نبی علیه السلام را به مقام امامت رساند. (ر. ک: صفات، ۱۰۶-۱۰۳)

۲. شکر خداوند

به استناد قرآن کریم، سلیمان نبی علیه السلام وقتی در برابر خود تخت بلقیس را مشاهده می‌کند، می‌گوید:

«قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»؛ (نمل، ۴۰) گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید، پروردگار من غنی و کریم است.

از طرف دیگر، خدای متعال درباره عکس العمل افراد در برابر حوادث می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»؛ (حج، ۱۱) بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند، همین که خیری به آنان برسد حالت اطمینان پیدا می‌کنند، اما اگر مصیبتی برای امتحان به آن‌ها برسد دگرگون می‌شوند و این همان خسران و زیان آشکار است.

نتیجه آن‌که تدین درونی، انسان را مؤمن واقعی می‌نماید و به همین علت در برخورد با حوادث و بیماری‌ها خداوند را شاکر است و این شکر در سلامت وی تأثیر بسزایی دارد؛ (احمدی فراز، ۱۳۹۲: ۲۰) زیرا به آن مرحله از بینش درست رسیده است که در مرحله گرایش و رفتار عقلانی و منطقی عمل کند.

۳. احساس نیاز به دعا

امام جعفر صادق علیه السلام تأثیر دعا در تغییر سرنوشت را چنین طرح می‌نماید:

«فَمِنْ ذَلِكَ الَّذِي يُرَدُّ الدُّعَاءُ الْقَضَاءُ وَ ذَلِكَ الدُّعَاءُ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ الَّذِي يُرَدُّ بِهِ الْقَضَاءُ»؛

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱۲۱) دعا قضا را بر طرف می‌سازد و این دعایی است که نوشته شده که رفع قضا می‌کند.

در علم خداوند دو نوع تقدیر وجود دارد:

- تقدیر قطعی و ضروری که به هیچ وجه قابل تغییر و دگرگونی نیست؛ این نوع به هیچ عملی مانند دعا و اعمال نیک دگرگونی پیدا نمی‌کند؛ زیرا مشیت الهی بر این تعلق گرفته که این کار به صورت یک امر قطعی انجام گیرد، مانند محدود بودن عمر انسان‌ها.
- آن دسته از مقدراتی که به فرمان و اذن خداوند قابل تغییر است؛ مثلاً تقدیر نخستین خداوند درباره فردی این بوده که بیمار شود و بمیرد، ولی این تقدیر به صورت یک سرنوشت صد در صد قطعی نبوده، بلکه مشروط به این بوده است که عمل نیکی را انجام ندهد و یا مؤمن پاکدلی در حق او دعا نکند. هر گاه یکی از این دو شرط محقق نگردد، سرنوشت قطعیت پیدا می‌کند؛ در غیر این صورت، سرنوشت نخستین به سرنوشت دیگری تبدیل می‌گردد و بر اثر اعمال نیکی که انجام می‌دهد و یا دعای خیری که در حق او صورت می‌پذیرد، شایستگی این را پیدا می‌کند که عمر بیشتر و زندگی گسترده‌تری پیدا نماید. (سبحانی تبریزی، ۱۳۵۱: ۸۷۱)

مطابق با این دسته‌بندی، وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تأثیر دعا سؤال می‌کنند، می‌فرماید: «إِنَّهَا مِنْ قَدَرِ اللَّهِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۸۴) یعنی دعا و درخواست شفای بیمار از خداوند، یک نوع پناه به اسباب و علل و عمل به تقدیر است و تقدیر الهی درباره برخی بیماراران این است که از طریق دعا بهبودی پیدا کنند. در این فرض، دعا کردن و درخواست شفا از خداوند یک نوع فراهم ساختن اسباب و علل سازنده مطلوب است.

نتیجه آن‌که فرد با توجه به مضمون نیایش، بیماری را تقدیر الهی دانسته و از خداوند طلب ظرفیتی می‌کند که گذران بیماری برایش آسان و قابل تحمل شود؛ پس تقویت نگرش‌ها با معارف دینی و مذهبی موجب ارتقای سلامت می‌شود، (کجباف و رئیس‌پور، ۱۳۸۷: ۳۲) هر چند شیوه‌های هر یک از ادیان برای دعا و نیایش با همدیگر متفاوت است، ولی هدف همه آن‌ها آرامش روحی و تقرب به خداست. (محمودی و نوروزی، ۱۳۹۰: ۶۲)

۴. صبر

از عوامل ریشه‌ای در موفقیت هر کاری به خصوص پیروزی در آزمایش الهی، صبر و پایداری است که هم عقل صدق آن را تأیید می‌کند و هم شرع مقدس بر آن تأکید دارد و برای بهره‌گیری و کمک‌طلبی از این عامل مهم ارشاد نموده است (پاکزاد، ۱۳۷۸: ۳۶۲) و فرموده است:

- «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ (بقره، ۴) و از صبر و نماز، یاری جویید.
- «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ (آل عمران، ۱۸۶) و اگر استقامت کنید و تقوای الهی پیشه سازید [شایسته‌تر] است؛ زیرا این‌ها از کارهای محکم و قابل اطمینان است.
- «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ (عنکبوت، ۵۹) همان‌ها که صبر کردند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

- «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَعْصِيَةِ»؛ (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۷۹) صبر بر سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر فرمانبرداری و صبر از گناه.
- «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۵۵) صبر بر دو گونه است: صبر در آن‌چه آن را ناخوش می‌داری و صبر از آن‌چه دوستش می‌داری.

بر این اساس کسی که به آن مرحله از درک و بینش رسیده است، می‌داند که صبوری می‌تواند چون مرهمی بر گذران دوران سختی و بیماری باشد؛ چرا که با جزع و فزع از بیماری یا مصیبت‌ها کاسته نمی‌شود، از این‌رو با مراجعه به پزشک و مصرف دارو و توکل به خداوند در برابر بیماری استقامت نموده و با پرهیز از بی‌تابی و ناشکری از گناه دوری می‌کند و چنین انسانی معتقد است سرانجام همه امور نزد خداوند است.

خداوند متعال درباره توکل کردن می‌فرماید:

«وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق، ۳) او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند. خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

از آیه شریفه چنین استنباط می‌شود که به دنبال توکل، عنایت پروردگار قطعی است و این سنت الهی است که بر همه قانون‌های دیگر حکومت می‌کند و فرموده «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ یعنی از جایی که گمان نمی‌کند، از کارش گره‌گشایی می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۶، ج: ۱، ۱۴۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باب توکل می‌فرماید:

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ»؛ (تمیمی آمدی،

۱۳۶۶، ج: ۱، ۱۹۷) هر کس به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب

برایش فراهم می‌گردد.

در برخی دعا‌های مأثوره- دعا‌هایی که از معصوم علیه السلام رسیده باشد- نیز چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ»؛ (طوسی، ۱۴۱۱، ج: ۲، ۸۰۲) خدایا از تو

می‌خواهم که صبر سپاسگزاران را به من عنایت کنی.

صبر سپاسگزاران صبر تلخ نیست، آن صبر هم‌چون شاهد شیرین است. آنان که می‌دانند بلاها تربیت‌کننده روان آدمی است، در برابر آن خشنودند و با آغوش باز به استقبال آن‌ها می‌روند.

(مطهری، ۱۳۸۶، ج: ۱، ۱۸۲)

قرآن کریم این‌گونه صابران را چنین وصف می‌کند:

«وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ (بقره، ۱۵۶)

آن‌ها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او

بازمی‌گردیم.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه چنین می‌نویسند:

خداوند در این باره صابران را دوباره نام برد تا اولاً بشارتشان دهد و ثانیاً راه صبر را و این‌که چه صبری، صبر جمیل است یادشان دهد و ثالثاً آن علت واقعی که صبر را بر آدمی واجب می‌سازد، بیان کند و آن این است که ما ملک خداییم و مالک حق دارد هر گونه تصرفی در ملک خود بکند و رابعاً پاداش عموم صابران را که عبارت است از درود خدا و رحمت و راه یافتن، معرفی نماید.

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۵۳۱)

۵. فهم گذرا بودن سختی‌ها و مشکلات

این مرحله مربوط به بینش انسان است که سبب ایجاد گرایش و رفتار درست می‌شود و آیه «إِنَّا لِلَّهِ

وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به آن اشاره دارد و امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تفسیر آن فرمودند:

این که می‌گوییم (إِنَّا لِلّٰهِ) اعتراف به این حقیقت است که ما مملوک اویم و این که می‌گوییم (وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) اقرار به این است که ما از این جهان خواهیم رفت و جایگاه ما جای دیگری است. (نهج البلاغه، حکمت ۹۹)

این که می‌بینیم بزرگان اسلام به هنگام بروز مصائب سخت این جمله را با الهام گرفتن از قرآن مجید تکرار می‌کردند، برای این بوده است که شدت مصائب آن‌ها را تکان ندهد و در پرتو ایمان به مالکیت خداوند و بازگشت همه موجودات به سوی او، این حوادث را در خود هضم کنند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۵۳۱)

حضرت در روایتی دیگر می‌فرمایند:

«الدَّهْرُ يَوْمَانِ لَكَ وَيَوْمٍ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطُرْ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَلَا تَحْزَنْ فِكُلَيْهِمَا سُبْحَتُ»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۷) دنیا دو روز است: روزی به سود توست و روزی به زیان توست. اگر به سود تو بود، شادمان نشو و اگر به زیان بود، اندوه نخور، زیرا به این دو آزمایش می‌شوی.

نتیجه آن که کسی که به این باور برسد، از حوادث دردناک زندگی آزاده خاطر نمی‌شود.

مفهوم بیماری در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

اهمیت تعلیم و تربیت دوران کودکی بر همگان روشن است و به کار باغبانی می‌ماند که برای به دست آوردن محصولی ثمربخش از ابتدا باید به مراقبت از گیاهانش بپردازد تا به نتیجه مطلوب برسد. بر این اساس، برنامه سند تحول بنیادین نظام تعلیم تهیه و تنظیم شد که هدف آن تربیت اسلامی است و شامل برخی اهداف، رویکردها و راهکارها برای آینده است و برنامه درسی نظام آموزشی، مدارس، عملکرد معلمان و فراگیران با توجه به آن برنامه‌ریزی می‌شود؛ سندی جامع که بی‌نیازی جمهوری اسلامی ایران را به سندهای آسیب‌زایی مثل سند ۲۰۳۰ در پی دارد.

در بخش‌هایی از متن سند که مربوط به حیطه سلامت می‌باشد، چنین آمده است:

- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بهداشتی و زیست‌محیطی؛ (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل پنجم، بخش

هدف‌های کلان: ۲۴)

- پرورش یافتگانی که با درک مفاهیم بهداشت فردی و اجتماعی و مسائل زیست‌بوم طبیعی و شهری به منزله امانات الهی، شایستگی حفظ و ارتقای سلامت فردی و بهداشت محیطی را کسب می‌کنند و با ورزش و تفریحات سالم فردی و گروهی به نیازهای جسمی و روانی خود و جامعه بر اساس اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی پاسخ می‌دهند.

(همان، فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها: ۳۱)

- ارائه خدمات مشاوره‌ای و تربیتی در تمامی سطوح تحصیلی برای افزایش سلامت

جسمی و روحی دانش‌آموزان. (همان، راهکار ۷-۳: ۳۶)

با بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان گفت که از پرداختن به مفهوم سلامتی و بیماری با دیدگاه اسلامی غفلت شده است و این در حالی است که کمتر کسی می‌تواند بگوید در میان خانواده یا آشنایان خود بیمار مزمنی ندارد و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با پدیده بیماری درگیر نیست و پیامدهای آن را تجربه یا مشاهده نمی‌کند تا جایی که این بیماری‌ها در برخی افراد سبب تزلزل اعتقادات دینی می‌شود.

به نظر می‌رسد برای رسیدن به هدف غایی سند که قرب الی الله است، نیاز به رویکردی دقیق است. از دیدگاه کارشناسان آموزشی، برنامه درسی به دو دلیل قلب آموزش است:

- چیزی است که باید آموخته شود.

- ترکیبی از یادگیری، فعالیت و اهداف است.

بر این اساس، برنامه درسی جنبه‌های عینی و محسوس اهداف است که با در نظر گرفتن آن‌ها می‌توان نسبت رسیدن به اهداف را مشخص کرد؛ (زارع صفت و حکیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۸) لذا سه نوع برنامه درسی داریم: آشکار، پنهان و مغفول.

برنامه درسی مغفول شامل تمامی فرصت‌های یادگیری است که نظام آموزشی به دلیل سنت و غفلت از ارائه آن به یادگیرندگان باز می‌ماند. هدف و کارکرد اصلی این مفهوم، جلب توجه دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی به تأمل و اندیشه درباره چیزهایی است که از دستور کار نظام آموزشی و از حوزه برنامه درسی آشکار حذف شده‌اند. (صفایی موحد، ۱۳۹۵: ۱)

به عقیده آیزنر^۱ - استاد سابق دانشگاه استنفورد - آنچه مدارس آموزش نمی‌دهند، می‌تواند به اندازه آنچه آموزش می‌دهند حائز اهمیت باشد؛ چرا که محروم کردن افراد از فرصت‌های مختلف می‌تواند علاوه بر این که تأثیرات مخربی بر زندگی افراد داشته باشد، دانش آموخته‌ها و تجربیات آن‌ها را محدود کرده و تصویری تحریف شده از واقعیت‌ها به دست دهد. (صفایی موحد، ۱۳۹۵: ۱)

با روشن شدن برنامه درسی مغفول می‌توان نتیجه گرفت که از تبیین مقوله مفهوم بیماری با رویکرد اسلامی و دینی غفلت گردیده است؛ در حالی که تربیت دینی دو رویکرد دارد: دیدگاه اول درونی و متکی بر آموزه‌ها و فرمان‌های دینی است و دیدگاه دوم بیرونی و متکی بر تحلیل‌های عقلانی است که تأکید دین اسلام نیز بر مورد دوم است.

این ربوبی شدن اتکا بر سه عنصر انتخاب آزاد، باور و شناخت و نهایتاً عمل به دستورها و فرمان‌های الهی است (زارع صفت و حکیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۷) و اتکا به کل کامل بخشی دیگر است که در دنیای صرفاً مادی پیدا نمی‌شود. خداپاوران با خدامحوری به درون خویش روشنی می‌دهند و با یاد خدا جاده سلامت و سعادت را می‌پویند و دل آنان لبریز یاد خداست. (اسحاقی، ۱۳۸۶: ۱۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به سند بنیادین تحول در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، هدف نهایی از تعلیم و تربیت رسیدن به «حیات طیبه» تعریف شده؛ ولی آنچه مشهود است بالا رفتن رقابت‌های علمی مد نظر است، هر چند از تبیین رویکردهای دینی و مدد گرفتن از آن‌ها در روند زندگی غفلت شده و یا کمتر پرداخته شده است.

هدف نظام آموزشی صرفاً نباید بالا رفتن درصد قبولی‌های دانشگاه باشد؛ (علم الهدی و طهماسب‌زاده شیخ‌لار، ۱۳۸۷) بلکه رسیدن به مقام قرب الهی در هر مرحله از زندگی ملاک است و آن مستلزم ارائه بینش صحیحی از جهان‌بینی الهی در قالب برنامه درسی آشکار برای عموم افراد جامعه است، از جمله پرداختن به مقوله مفهوم بیماری جسمی مطابق با آموزه‌های اسلامی تا فرد بتواند آرامش روحی و روانی خود و اطرافیانش را حفظ کرده و بر عوارض و تأثیرات بیماری، داروها و دردها صبر نموده و دچار پریشانی در این برهه از زندگی نشود که خود مستلزم تغییر در مبانی درسی، اصول، روش‌ها، پرورش معلمان و مشاورانی است که دارای رویکرد دینی و مذهبی باشند تا در عرصه تعلیم و تربیت بتوانند بهترین راهکارها و روش‌ها را بکار گیرند.

برای تفهیم بیماری در برنامه اهداف بلندمدت آموزشی می‌توان از تعبیر اهل بیت علیهم‌السلام بهره گرفت.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

آگاه باشید که فقر نوعی بلا است و سخت‌تر از تنگدستی، بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است. آگاه باشید که همانا عامل تندرستی، تقوای دل است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸)

امام سجاد علیه السلام نیز در این زمینه چنین دعا می‌کنند:

خداوند! سپاس تو را بر آن تندرستی که همیشه از آن برخوردار بودم. سپاس تو را بر این بیماری که در تن من پدید آوردی و نمی‌دانم کدام يك از این دو حال به شکرگزاری سزاوارتر است و کدام يك از این دو هنگام به سپاس اولی‌تر است؟ آیا هنگام تندرستی که روزهای پاکیزه خود را بر من گوارا ساخته بودی و مرا در طلب رضایت و فضل خود چالاک گردانیده و برای ادای طاعاتی که توفیق دادی، مرا نیرو بخشیده‌ای یا هنگام بیماری که مرا از آلودگی‌ها پاک کردی و تحفه‌ها فرستادی که بار پشت مرا از گناهان سبک گردانی و از چرك معصیت که بدان آلوده‌ام پاک سازی و متوجه کردی مرا که قدر نعمت پیشین را بدانم و به یاد من آوردی که به توبه زنگ گناه را از خویشتن بزدایم و در این میان، نویسندگان برای من چندان عمل صالح نوشتند که در اندیشه هیچ دلی نگنجد و هیچ زبانی یارای بر شمردن آن را ندارد و هیچ يك از اندام‌های من رنجی برای آن عمل نکشیده، بلکه محض فضل و احسان توست. (صحیفه سجاده، دعای ۱۵)

نتیجه آن‌که وقتی فطرت انسانی فرد تکامل یافته باشد، عارضه‌ای جسمانی هر چند بلندمدت سبب سقوط فرد به مادی‌گرایی و پوچی نمی‌شود و می‌داند هدف از خلقتش عبودیت خداوند است و در این راه میزان تلاش او برای رسیدن به حیات طیبه و قرب الهی اهمیت دارد. زمانی که فرد به این مرحله از آگاهی برسد و حقیقت زندگی را دریابد، در ناملايمات زندگی دچار سر درگمی و هلاکت نمی‌شود. بنابراین تربیت دینی باید به دنبال شکوفا شدن، ظاهر شدن و بالفعل شدن توانایی‌ها باشد. (زارع صفت و حکیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۷)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج الفصاحه (۱۳۸۲). ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ ۴. تهران: انتشارات دنیای دانش.
۳. نهج البلاغه.

۴. صحیفه سجاده.
۵. احمدی فراز، مهدی (۱۳۹۲). الگوپذیری از دعا‌های صحیفه سجاده و تأثیر آن بر سلامت. پژوهشنامه حکمت اهل بیت. سال ۱. شماره ۱: ۳۰-۱۷.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). ثواب الأعمال وعقاب الأعمال. ترجمه صادق حسن‌زاده. تهران: انتشارات ارمغان طوبی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. چاپ ۶. تهران: انتشارات کتابچی.
۸. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). آیین بندگی و نیایش (عدة الداعي). ترجمه حسین غفاری ساروی. قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی.
۹. اسحاقی، سید حسین (۱۳۸۶). نقش خدامحوری در زندگی انسان‌ها. طوبی. شماره ۲۵: ۲۰-۱۰.
۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. بتصحیح علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. بحرینیان، سید عبدالمجید. سعادت، راضیه. شاکری، زهت. و فریدون عزیزی (۱۳۸۹). بررسی نگرش بیماران نسبت به تأثیر معنویت در روند درمان آن. اخلاق پزشکی. سال ۴. شماره ۱۴: ۱۴۸-۱۳۱.
۱۲. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۰). سیره پیشوایان. چاپ ۲۳. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. پاکزاد، عبدالعلی (۱۳۷۸). ابتلا و آزمایش در قرآن. پژوهش‌های قرآنی (ویژه‌نامه قرآن و مهندسی فرهنگی). شماره ۵۵-۵۴: ۳۷۷-۳۴۲.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم. ترجمه مصطفی درایتی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. حمید، نجمه (۱۳۸۸). بررسی رابطه نگرش مذهبی با سلامت روانی و عملکرد سیستم ایمنی بدن (سلول‌های T کمکی، سلول‌های T مهای / انهدامی و سلول‌های ضد سرطانی NK). مطالعات روان‌شناختی. سال ۵. شماره ۲: ۸۷-۷۳.
۱۶. خیاطان مصطفوی، صدیقه. آقایی، اصغر. و محسن گل‌پرور، محسن. (۱۳۹۷) اثربخشی آموزش مبتنی بر مدیریت استرس با محتوای معنویت درمانی ایرانی- اسلامی بر استرس، اضطراب و افسردگی زنان مبتلا به فیبرومیالژیا. روان‌شناسی سلامت. سال ۷. شماره ۳: ۸۰-۶۲.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). شرح حدیث جنود عقل و جهل. چاپ ۹. قم: انتشارات عروج.
۱۸. رجایی، علیرضا. بیاضی، محمدحسین. و حمید حبیبی‌پور (۱۳۸۸). باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). سال ۶. شماره ۲۲: ۹۷-۱۰۷.

۱۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بتصحيح صفوان عدنان داودی. قم: دار العلم.
۲۰. رحیمی، غلامرضا (۱۳۸۹). سازمان بهداشت جهانی (WHO). علوم پیراپزشکی و بهداشت نظامی. سال ۵. شماره ۱: ۵۳-۵۶.
۲۱. زکوی، علی اصغر. و رحمت الله مرزبند (۱۳۹۳). مراقبت معنوی و راهکارهای آن در راستای تأمین سلامت معنوی بر مبنای آموزه‌های قرآن و حدیث. تاریخ پزشکی. سال ۶. شماره ۲۱: ۱۳۰-۱۰۳.
۲۲. زارع صفت، صادق. و رضوان حکیم‌زاده (۱۳۹۴). نگاه فرانوگرایان به برنامه درسی و شناسایی عوامل مغفول آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال ۲۳. شماره ۲۶: ۸۵-۱۰۳.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۵۱). چگونه دعا سرنوشت را دگرگون می‌سازد؟ تقدیر و سرنوشت. سال ۱۳. شماره ۱۱: ۷۳-۷۰.
۲۴. سالاری‌فر، محمدرضا. شجاعی، محمد صادق. موسوی اصل، سید مهدی. و محمد دولخواه (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شماره ۳۰۹. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۶. شعیری، محمد بن محمد. (بی‌تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
۲۷. صفایی موحّد، سعید (۱۳۹۵). برنامه درسی مغفول. دانشنامه برنامه درسی.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). مکارم الأخلاق. ترجمه ابراهیم میرباقری. چاپ ۲. تهران: انتشارات فراهانی.
۲۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱). مصباح المتعبد وسلاح المتعبد. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. چاپ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. علم الهدی، جمیله. طهماسب‌زاده شیخ‌لار، داود (۱۳۸۷). عشق به عنوان برنامه درسی پوچ. سال ۳. شماره ۱۱: ۲۶-۱.
۳۳. علیخانی، مریم (۱۳۸۵). رابطه بین هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. مطالعات روان‌شناختی. سال ۳. شماره ۲-۱: ۸۹-۱۰۶.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. بتصحيح هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمية.
۳۵. فجری، محمد مهدی (۱۳۸۸). سیمای بیماری در اسلام (۱). مبلغان. شماره ۱۲۴: ۱۲۱-۱۰۹.

۳۶. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۹۱). حکمت بلایا با تکیه بر آیات و احادیث. سراج منیر. شماره ۷: ۷۲-۴۶.
۳۷. کجباف، محمد باقر. و حفیظ الله رئیس پور (۱۳۸۷). رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت روانی. مطالعات اسلام و روان شناسی. سال ۲. شماره ۲: ۴۳-۳۱.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). گزیده کافی. ترجمه محمدباقر بهبودی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). أصول الکافی. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. چاپ ۳. قم: انتشارات اسوه.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. بتصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۱. کلاتری، عبدالحسین. و سید سعید حسینی زاده آرانی (۱۳۹۴). دین، سلامت روان و احساس تنهایی؛ بررسی نسبت میان میزان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۶. شماره ۶۰: ۴۴-۲۵.
۴۲. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم والمواعظ. ترجمه حسین حسینی بیرجندی. قم، دار الحديث.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مجموعه آثار (۱). تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار (۸). تهران: انتشارات صدرا.
۴۶. محمودی، ایوب. و رضاعلی نوروژی (۱۳۹۰). بررسی آداب و شرایط دعا و پیامدهای تربیتی آن. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. شماره ۱۱: ۸۶-۶۱.
۴۷. مرادی جو، محمد. بابازاده، توحید. هنرور، زینب. محبت بهار، سحر. رحمتی نجارکلائی، فاطمه. و مرتضی حقیقی (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و ابعاد سلامت عمومی در بیماران مبتلا به سرطان پستان. پژوهش در دین و سلامت. سال ۳. شماره ۳: ۹۱-۸۳.
۴۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. ترجمه جمعی از محققان. چاپ ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر. و گروهی از نویسندگان (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۰. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۵۱. معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی. چاپ ۲۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۲. نیکوگفتار، منصوره. دهقانی، زهرا. و بهناز فراهانی، بهناز (۱۳۹۰). اثربخشی دعا بر سلامت معنوی بیماران سرطانی تحت شیمی درمانی. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی. سال ۲. شماره ۲: ۹۰-۸۳.
۵۳. نوغانی، فاطمه. محتشمی، جمیله. واثق رحیم‌پور، فاطمه. و غلامرضا بابایی (۱۳۸۳). تأثیر آموزش فرهنگ دینداری بر میزان افسردگی. حیات. سال ۱۰. شماره ۲۳: ۵۶-۴۹.
۵۴. ولف، هنریک. پدرسون، استیگ آندر. و رین روزنبرگ (۱۳۸۰). درآمدی بر فلسفه طب. ترجمه همایون مصلحی. تهران: انتشارات طرح نو.